

ترجمه مکمل است

زمینه‌ها و تگناهای ترجمه متن دینی

ارزش بی‌پای معنای «عمیق» در نظر گرفته‌اند؛ در صورتی که «تصق» در روایات اسلامی بار منفی دارد و به معنای تندروی دینی و تظرف است. بدون توجه به کاربردهای این کلمه، نتیجه‌گیری‌هایی شده و خیلی از بزرگان - به دلایل اینکه به معنای واقعی این کلمه تریسند - اصلاح حدیث را به طور کلی، چیز دیگری معنا کردند.

بنابراین، مترجم در واقع باید محقق باشد و ترجمه مکمل کار تدوین و تألیف است علاوه بر این، هنر نویسندگی نیز مطرح است. یعنی یک مترجم، نخست باید نویسنده‌ای توانا باشد و بعد یک مترجم، نه اینکه بخواهد نویسنده‌ای را در ترجمه تجربه کند. کسی می‌تواند مترجم خوبی باشد که واقعا مؤلف و نویسنده خوبی هم باشد و در این صورت است که خود ترجمه یک متن ادبی شیرین و جذاب می‌شود و می‌تواند به عنوان یک متن قابل استفاده از نظر ادبی، مورد بهره‌برداری قرار بگیرد.

نکته دیگری که قابل توجه است، فرسایشی ترجمه است. ترجمه باید مقصود را برساند. ترجمه‌های تحت‌اللفظی، حقیقتا کارایی ندارد. حدیثی که در آغاز صحبت عرض کردم خیلی می‌تواند دست مترجم را باز کند که می‌فرماید «هر گاه حدیث را درست فهمیدی و معنایش را دریافتی، به هر شکلی که می‌خواهی بیان کن». این، خیلی دست مترجم را باز می‌کند که مقصود را بگوید. اگر ما بخواهیم تحت‌اللفظی یک لفظ را از قرآن و حدیث ترجمه کنیم، چه بسا مخاطب نمی‌فهمد که چه می‌خواهیم بگوییم. ممکن است شما به جای یک کلمه، وارد کلمه بکناری ناپوشانی مقصود را بفهمی.

در حدیث دیگری می‌فرماید: «لا یس فی الحدیث قذعت فیہ نو آخرت اذا نسبت معناه». اگر مطلبی را جلو، عقب، بیندازی -

به صورتی که واقعا معنایش را حرکت کرده باشی و در جهت فهم مخاطب، این اقدام را انجام دهی -

اشکالی ندارد. اصلا بعضی از واژه‌ها قابل ترجمه نیستند. واقعا معادل بعضی چیزها را

نمی‌شود پیدا کرد و باید در باور قی توضیح داد که آنچه من از این لفظ می‌فهمم این

است. مثلا در ترجمه «عقل» و «جهل»، می‌خواهد «عقل» را به «خرد» ترجمه

کنید (اگر قبول کردید که معنای «عقل» خرد باشد و معنای مختلف «عقل» را مورد

توجه فرست ندهید). حالا «جهل» را

چطور معنا می‌کنید؟ «جهل» را

به نادانی معنا می‌کنید؟ «جهل» در اصطلاح روایات نادانی نیست

مفهوم خاصی دارد. ما در کتاب «عقل و جهل» توضیح دادیم که مقصود از

«جهل» در روایات چیست و کلمه «جهل» در چه معنایی استعمال می‌شود. با مثلا

حکمت» را چطور می‌خواهید ترجمه کنید که واقعا یک لفظ، همان معنا را بدهد که در

روایات است. به نظر من در این موارد هیچ راهی نداریم به جز اینکه در ترجمه هم

«عقل» و «جهل» بکناریم و بعد توضیح دهیم که عقل و جهل چیست و الا اگر

آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری در اولین همایش ترجمه متون دینی، آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری درباره لوازم و پیش‌نیازهای ترجمه، با اتکا به تجربیات خویش در طول بیش از یک دهه نظارت بر آثار ترجمه‌ای در مؤسسه دارالحدیث سخن گفته. از جمله این سخنان، اشاراتی بود که وی به برخی غلط‌های رایج راه‌یافته در ترجمه‌های دینی (حتی در کار بعضی از بزرگان) داشت. متن تلخیص شده سخنرانی ایشان در پی می‌آید.



بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین سیما بقره‌الله فی الارضین. عن مولانا الصادق علیه السلام: «ذا نسبت الحدیث فاعرب عنه بما نستعمله من لیل اینک کتابهای پژوهشکننده را قبل از چاپ، معمولا یک بار می‌بینم - حالا یا با دقت همه ترجمه را از اول تا آخر برای آخرین بار کنترل یا فقط مرور می‌کنم - و به انگلیسی هم که ترجمه می‌شود یا واسطه کنترل می‌کنم. جمالا یا نقاط ضعف و قوت ترجمه‌ها. آشنایی دارم و حساسیت این موضوع را کاملا درک می‌کنم. با توجه به شش‌دهی که پیش آمده و بعد از پیروزی حزب‌الله لبنان، اقبال فوق‌العاده‌ای به ترجمه متون دینی در دنیا پدید آمده - مخصوصا ترجمه قرآن و حدیث - حساسیت و اهمیت این مطلب مضاعف شده است.

با توجه به تجربیاتی که من در این زمینه دارم می‌توانم بگویم که چند نکته تاکید کنید: در باره ترجمه متون دینی اولین نکته، توانایی‌های مورد نیاز مترجم است. تنها دانستن زبان عربی (حالا اگر عربی را می‌خواهیم به فارسی ترجمه کنیم) یا زبان دیگر کافی نیست. ممکن است کسی به سادگی بتواند زبان عربی را ترجمه کند و مترجم عربی باشد ولسی معنایش این نیست که می‌تواند قرآن، حدیث و کتابهای دینی را ترجمه کند. ترجمه متون دینی، یک فن خاص است و توانایی‌های ویژه‌ای را می‌طلبد. عربی امروز یا عربی ۱۲ قرن پیش خیلی متفاوت است و به همین جهت مترجم باید در بسیاری از موارد بتواند اجتهاد کموی داشته باشد و علاوه بر اجتهاد کموی با مراجعه به واژه‌های مشابه، کاربردهای این واژه در زمینه‌های مختلف را به دست بیاورد که مقصود خدا چه بوده. مقصود امام یا پیغمبر چه بوده، حالا برای نمونه به تعبیر «عقل عن الله» که کاربرد بسیار زیادی هم دارد - اشاره می‌کنم از خدا عقل بگیرد. خرد دیگری یعنی چه؟ هر حوم علامه مجلسی این کلمه را مفصل معنا کرده که به نظر ما وقتی مراجعه می‌کنیم به کاربردهای مشابه این کلمه، می‌بینیم که ظاهرا تحلیلی که ایشان از این کلمه دارد، قابل قبول نیست. من به طور مفصل در کتاب «داستانچه عقاید اسلامی» (جلد اول، صفحات ۴۲۷-۴۲۶) زده‌ام که ۱۵ - اخط، در ذیل جمله «العبیر علی‌الوجه علامه قوت‌المقل فین عقل عن الله تبارک و تعالی استزل اهل الدنیا» و آنچه به این مفهوم توضیح دادیم، کسی که از خدا عقل دریافت کند، یعنی چه؟ آن وقت نیاز است که حتما به موارد مشابه مراجعه بشود که ببینید «طبع‌الوا عن الله» و «عقل عن الله» چه می‌خواهد بگوید. خدا به کسی عقل می‌دهد، به کسی نمی‌دهد. وقتی می‌دهد چطور می‌شود؟

من در جمع‌بندی از موارد مشابه این کلمه به دست آوردم که این طور کاربردهای عقل به معنای به‌سرت و پیش‌اندیشی است: کسی که پیش‌اندیشی دارد، به هر حال برای فقه‌الحدیث، فهم درست حدیث، مترجم حتما نیاز به دانش‌های مختلفی دارد علاوه بر اینکه در موقعی که می‌خواهد جمله را ترجمه کند حتما باید در جایی که فهم دارد، به موارد مشابه مراجعه کند. نمونه دیگری که می‌خواهم اشاره کنم کلمه «عمیق» است که غالبا من هر چه دیدم - حتی از بزرگان هم دیدم - این جمله را غلط ترجمه کرده‌اند و بار

بخواهید بگویید «جهل» یعنی نادانی، مقصود روایت را مطرح نکردیم.

به هر حال، مترجم باید در انتخاب واژه‌های ترجمه خیلی وسواس داشته باشد که لافال چیزی نزدیک به همان مفهوم واقعی انتخاب کند و اگر نمی‌شود، توضیح بدهد. یکی از موارد مهم دیگر، مخاطب‌شناسی است. اینکه مخاطب از این کلمه چه می‌فهمد یا حتی چنان که در روایات آمده، مترجم اصلا فرهنگ مخاطب را بداند. مثلا در روایات آمده بود که حضرت با انگشت سبابه‌اش اشاره کرد که در جریان ترجمه آن به انگلیسی، یکی دیگر از آقایان که در انگلستان بوده گفت که در فرهنگ مردم انگلیس با این انگشت اشاره کردن، چیز بدی است. این نشان می‌دهد که مترجم باید به فرهنگ مخاطب و اصطلاحاتی که دارد و با پارافهمی لغات ترجمه آگاه باشد.

مورد دیگر بر جوع به نسخه‌های مختلف است. در جاهایی که معنای لغتی مبهم است، حتما مراجعه به نسخه‌های مختلف ضرورت دارد.

مطلب بعدی، مشکلاتی است که در ترجمه‌های متون دینی امروز داریم. ترجمه‌های امروز ما در سه این زمینه‌هایی که من اشاره کردم، مشکلات دارد. نه تنها در زبان‌های انگلیسی و سایر زبان‌های خارجی، حتی در زبان فارسی هم ما مشکل داریم و ترجمه بدون مشکل شاید خیلی کم پیدا شود.

چه باید کرد؟ به نظر من، کاری که جانش‌نکده علوم حدیث می‌تواند بکند این است که یک رشته ترجمه - هم به زبان فارسی و هم به زبان‌های دیگر - ایجاد کند. این خیلی کار مهمی است و هم برای حوزه و هم برای خارج حوزه مورد نیاز است و

تأسیس مرکز آموزش زبان و ترجمه متون دینی، کار فوق‌العاده مهمی است. در کنار این اقدامات اساسی، تأسیس انجمن

ترجمه متون دینی و حدیثی - مثل سایر انجمن‌های حوزه که الان هست - تأسیس انجمن نظارت بر ترجمه احادیث مثل

همان نظارتی که الان بر ترجمه قرآن هست - و همچنین،

نشریه تخصصی ترجمه متون دینی می‌تواند برای پیش برد اهداف این رشته مفید و مؤثر باشد.

مجله تخصصی ترجمه متون دینی
شماره ۱۹

